

تحلیل تاریخی - ژئوپولیتیکی نقش ارمنستان در کشمکش‌های ایران و روم

مجتبی نقدی

دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، تاریخ پیش از اسلام، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

فیض الله بوشاسب گوشه

دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. نویسنده مسئول: f.boushasb@yahoo.com

<https://doi.org/10.71794/PEB.2025.1205304>

چکیده

ارمنستان که امروزه کوچکترین واحد سیاسی قفقاز به شمار می‌رود، در گذشته‌های دور با اسامی اورارتو و آراتات شناخته می‌شد. قرار گرفتن ارمنستان در موقعیت خاص جغرافیایی به مثابه پل ارتباطی شرق و غرب و یکی از حلقه‌های مواصلاتی ترانزیت کالا و وجود معبرهای قفقاز، توجه قدرت‌های بزرگ از جمله ایران و روم را به خود جلب کرد. با پذیرش مسیحیت در آغاز قرن چهارم میلادی دولت ارمنستان روابط مستحکمی با هم‌کیش خود امپراتوری روم پیدا کرد و از این پس کانون مناقشات دو قدرت شرق و غرب گردید. زمینه‌های دخالت رومی‌ها در این منطقه به بهانه حمایت از اتباع مسیحی بیشتر شد و یک رشته جنگ‌های فرساینده در این منطقه رقم خورد. ارمنستان به عنوان همسایه دو قدرت ایران و روم در سال ۳۰۲ میلادی مسیحیت را پذیرفت و پس از آزادی مسیحیت در روم به وسیله کنستانتین در سال ۳۱۳ میلادی، ارامنه مورد حمایت وی قرار گرفتند. ساسانیان که کیش زرتشتی داشتند، نمی‌توانستند نظاره‌گر جدا شدن ارمنستان باشند که آن را جزئی از پیکره خود به حساب می‌آوردند. بنابراین، سیاست زرتشتی کردن ارامنه را در پیش گرفتند که این موضوع در دوران یزدگرد دوم شدت گرفت. بررسی جایگاه کلیدی ارمنستان و تأثیرگذاری آن بر روابط ایران و بیزانس به تبع پذیرش مسیحیت هدف نگارش این مقاله است. برای نیل به این هدف تلاش شده است از شیوه پژوهش تاریخی (توصیفی - تحلیلی) با تکیه بر نظر پژوهشگران استفاده شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که همگونی دینی ارمنستان با روم سبب تحکیم روابط آنان با یکدیگر و گسست علقه‌های دینی از ایران شد. این جریان، دست به دست شدن ارمنستان و تقسیم آن به مناطق نفوذ ایران و روم را در پی داشت.

واژگان کلیدی: ارمنستان، روم، اشکانیان، ساسانیان، مسیحیت.

۱. مقدمه

تاریخ ارمنستان با تاریخ ایران پیش از اسلام چنان در هم تنیده است که تفکیک آنها بدون آسیب به فهم دقیق رخداد‌های تاریخی ممکن نیست. این پیوستگی، نه تنها ناشی از مجاورت جغرافیایی، بلکه حاصل تعاملات طولانی مدت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان این دو سرزمین بوده است (Russell, 1987). ارمنستان، به دلیل قرار گرفتن در منطقه قفقاز و مجاورت با دو قدرت بزرگ دنیای باستان، ایران و روم، همواره نقش واسطه‌ای حساس میان شرق و غرب ایفا کرده است. اهمیت استراتژیک این سرزمین از دیدگاه نظریه‌های ژئوپلیتیکی کلاسیک نیز قابل تبیین است. طبق تحلیل نیکلاس اسپایکمن (۱۹۴۴)، مناطق حائل در تعادل قوای جهانی اهمیت بنیادین دارند و هرگونه تغییر در وضعیت این مناطق، مناسبات قدرت‌های بزرگ را دچار دگرگونی می‌کند. ارمنستان، به عنوان منطقه‌ای حائل میان ساسانیان و امپراتوری روم، دقیقاً در چنین جایگاهی قرار داشت. در این میان، پذیرش مسیحیت از سوی ارمنستان در اوایل قرن چهارم میلادی، نقطه عطفی مهم در تحولات سیاسی منطقه بود. به تعبیر پیتر براون (۱۹۹۶)، مسیحیت در سده‌های پایانی عهد باستان به ابزاری برای بازتعریف مرزهای سیاسی و فرهنگی تبدیل شد. این تغییر دینی، که پیش از پذیرش رسمی مسیحیت در روم صورت گرفت، پیوندهای مذهبی ارمنستان با امپراتوری روم را تقویت کرد و از سوی دیگر، شکاف مذهبی و سیاسی عمیقی میان ارمنستان و ایران ساسانی پدید آورد (Howard-Johnston, 2006). در نتیجه، مطالعه مناسبات ایران و روم بدون تحلیل نقش ارمنستان و تحولات مذهبی آن ناقص خواهد بود. این مقاله می‌کوشد با تمرکز بر تأثیر پذیرش مسیحیت در ارمنستان، جایگاه این سرزمین را در چارچوب رقابت‌های ایران و روم بررسی کند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و مبتنی بر مطالعه منابع دست اول تاریخی از جمله آثار مورخان کهن ارمنی و ایرانی، و تحلیل منابع ثانویه معتبر فارسی و لاتین صورت گرفته است. در مرحله توصیف، با بهره‌گیری از منابعی چون آثار موسی خورنی، سبتوس، و مورخان رومی و ایرانی، روایت وقایع تاریخی استخراج و ساماندهی شده است. در مرحله تحلیل، با استفاده از چارچوب‌های نظری معاصر همچون نظریه «سرزمین‌های حائل» (Buffer States) از نیکلاس اسپایکمن (Spykman, 1944) و تحلیل دین به عنوان عامل ژئوپلیتیکی بر مبنای آثار پیتر براون (Brown, 1996) و جیمز هاوارد - جانستون (Howard-Johnston, 2006)، داده‌های تاریخی بررسی و تفسیر شده‌اند. روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تحلیل محتوایی تاریخی است که به دنبال کشف رابطه میان تحولات مذهبی ارمنستان و تغییر موازنه قدرت میان ایران و روم در دوره باستان می‌باشد. توجه به زمینه‌های اجتماعی، دینی و ژئوپلیتیکی این تحولات، رویکردی چندلایه به داده‌های تاریخی بخشیده است. محدوده زمانی پژوهش از قرون نخست میلادی تا سقوط ساسانیان در قرن هفتم میلادی را دربرمی‌گیرد. هدف پژوهش، تحلیل جایگاه ارمنستان در مناسبات ایران و روم با تأکید بر نقش مسیحیت، و تبیین تأثیر آن بر فرآیندهای ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز است.

۳. چارچوب نظری

بررسی جایگاه ارمنستان در مناسبات ایران و روم در دوره باستان، نیازمند تبیین چارچوبی نظری است که نقش دین و موقعیت جغرافیایی این منطقه را در تحولات سیاسی روشن سازد. از منظر تحلیل تاریخی، دین در کنار قدرت نظامی و اقتصادی، همواره به عنوان ابزاری مؤثر در مشروعیت‌بخشی یا تضعیف دولت‌ها عمل کرده است. پیتر براون (Peter Brown) در اثر خود ظهور مسیحیت غربی بر این نکته تأکید دارد که مسیحیت در سده‌های پایانی دوران باستان، به یک شبکه سیاسی فراملی بدل شد که مرزهای امپراتوری‌ها را بازتعریف کرد و قدرت‌های سیاسی را درگیر چالش‌های نوینی ساخت (Brown, 1996: 81) پذیرش

مسیحیت در ارمنستان را باید در چنین چارچوبی تحلیل کرد، زیرا این تغییر دینی نه صرفاً یک تحول عقیدتی، بلکه حرکتی آگاهانه برای فاصله گرفتن از نفوذ زرتشتی ایران و پیوند با امپراتوری روم بود.

در سطحی دیگر، موقعیت ژئوپلیتیکی ارمنستان در نظریات کلاسیک روابط بین‌الملل به عنوان یک «منطقه حائل» مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نیکلاس اسپایکمن در کتاب جغرافیای صلح اهمیت مناطق حائل را در حفظ توازن قدرت میان امپراتوری‌ها مورد تأکید قرار داده و تضعیف یا تغییر وضعیت این مناطق را عاملی مهم در بروز منازعات می‌داند (Spykman, 1944: 52). از این منظر، تحولات مذهبی در ارمنستان تأثیری مستقیم بر معادلات قدرت میان ایران و روم داشت و این سرزمین را به کانون رقابت‌های نظامی، سیاسی و فرهنگی تبدیل کرد. همچنین، جیمز هاورد - جانستون در اثر خود روم شرقی، ایران ساسانی و پایان دوران باستان، به صراحت ارمنستان را به عنوان میدان جنگ نیابتی میان ساسانیان و بیزانسیان معرفی می‌کند و تأکید می‌کند که تحولات دینی این منطقه به طور مستقیم بر مناسبات ژئوپلیتیکی جهان باستان اثرگذار بود (Howard- Johnston, 2006: 214). بر این اساس، چارچوب نظری این مقاله بر این فرضیه استوار است که پذیرش مسیحیت در ارمنستان، افزون بر تغییرات فرهنگی، عاملی تعیین‌کننده در تضعیف پیوندهای سیاسی - دینی با ایران و تقویت وابستگی به روم شرقی گردید، که پیامدهای آن در طول قرون بعدی نیز ادامه یافت.

۴. نگاهی به پیشینه روابط ایران و ارمنستان

ارمنستان که امروز به‌عنوان کوچک‌ترین واحد سیاسی در قفقاز شناخته می‌شود، در گذشته‌های دور، کشوری بزرگ با قلمروهایی وسیع از ترکیه و قفقاز بوده که از شرق با دریای خزر و از غرب با دریای سیاه ارتباط داشته است. این منطقه همواره کانون منازعات قدرت‌های بزرگ از جمله ایران، روم، عثمانی و در دوران اخیر روسیه تزاری بوده است. در طول تاریخ، قفقاز به‌طور متناوب جزئی از خاک ایران بوده و با روی کار آمدن قاجارها و ضعف حکومت مرکزی، در کنار پیدایش حکومت قدرتمند روسیه و توسعه‌طلبی آن، طی جنگ‌های اول و دوم با روسیه از ایران جدا شد. این منطقه که همیشه محور رقابت‌های قدرت‌های بزرگ بوده، تحت تأثیر عمیق فرهنگ و تمدن ایرانی قرار داشته است.

۴. تحولات سیاسی و فرهنگی قفقاز

در طول تاریخ، حضور قومیت‌های مختلف در قفقاز اعم از ارمنیان، ترک‌ها، کردها و گرجی‌ها، این منطقه را به کانون تنش‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده است. پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه پایانی قرن بیستم، تلاش آمریکا برای ایجاد پایگاه‌های ناتو و نفوذ در این منطقه شدت گرفت. بنابر نظریه هانتینگتون، قفقاز در مرز برخورد تمدن‌ها قرار دارد و درگیری مسلمانان آذری با ارامنه مسیحی یکی از نمونه‌های این برخورد‌هاست. این منطقه محل تلاقی فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، و تقاطع ادیان و سنن شرقی با فرهنگ و مذاهب غربی است (Huntington, 1993: 3). اگرچه نقدهایی بر این نظریه وارد است، اما اهمیت این منطقه از نظر ژئوپلیتیکی و فرهنگی همچنان برجسته است.

۵. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی قفقاز

برای درک بهتر جایگاه ژئوپلیتیکی قفقاز، ذکر چند نکته حائز اهمیت است:

الف) موقعیت جغرافیایی و دفاعی

اقلیم کوهستانی و خشن قفقاز با کوه‌ها و گذرگاه‌های صعب‌العبور، همواره به‌سان یک دیوار دفاعی بزرگ عمل کرده است. جغرافی‌نویسان دوران اسلامی به‌خوبی به این ویژگی توجه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، حافظ ابرو در توصیف دیار ارمن و فرنگ

می‌نویسد: «ولایت ارمن در پیش ولایت فرنگستان است و به منزله دهلیز آنجا» (خوافی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۲). این اشاره نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک این منطقه بوده است.

مرزهای جغرافیایی ارمنستان در طول تاریخ دستخوش تغییرات زیادی شده است. برخی جغرافی‌نگاران آن را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند: نخست، از بیلقان تا شروان و نواحی میان آنها؛ دوم، تفریس و اطراف آن؛ سوم، سفرجان، دیبل، نخجوان و مناطقی در آن حوالی؛ و چهارم، حصن زیاد، خلاط، ارزروم و مناطق بین آنها (ابوالفداء، ۱۳۹۲: ۱۱۸). این ویژگی‌های جغرافیایی همواره زمینه‌ساز عملیات پارتیزانی و حرکات تجزیه‌طلبانه بوده است. همچنین، نگهداری از گذرگاه‌های این منطقه همیشه از دغدغه‌های دو دولت ایران و روم بوده است، زیرا اقوام وحشی که از این گذرگاه‌ها عبور می‌کردند، بر سرزمین‌های اطراف حمله می‌کردند و به قتل و غارت می‌پرداختند. در دوران ساسانی، توافقاتی با بیزانس برای مراقبت از این گذرگاه‌ها صورت گرفت که گاهی تعلل رومی‌ها در پرداخت هزینه‌ها باعث بروز درگیری‌های جدید می‌شد.

ب) اهمیت بازرگانی و ترانزیت

منطقه قفقاز از نظر بازرگانی و ترانزیت کالا، به‌ویژه در مسیر جاده ابریشم، اهمیت بسیاری داشت. رومیان به دنبال کنترل تجارت خاور دور و هندوستان بدون دخالت ایران بودند و از این طریق می‌خواستند منافع سرشار این تجارت را به دست آورند. این تضاد منافع سبب بروز مشاجرات متعدد میان ایران و روم شد. تغییرات سیاسی یا فکری در ارمنستان می‌توانست تأثیرات زیادی بر گردش سرمایه و تجارت میان این دو قدرت بزرگ داشته باشد (محمودآبادی، ۱۳۹۲: ۳۴۴). ارمنستان به عنوان پلی میان دریای سیاه و دریای خزر، برای بیزانس موقعیتی استراتژیک ایجاد می‌کرد تا از طریق آن ارتباطاتی با چین و هند برقرار کند و از این راه، ایران را از منافع سرشار تجارت ابریشم و ادویه محروم سازد (زرین کوب و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۶).

ج) روابط فرهنگی و تاریخی ایران و ارمنستان

روابط ایران و ارمنستان به زمان‌های دور و دوران حیات اقوام هندو و اروپایی بازمی‌گردد. این پیوستگی تاریخی و فرهنگی میان دو کشور همواره مورد توجه منابع مختلف بوده است (احمدی، ۱۳۸۸). وجود اشتراکات و مناسبات فرهنگی و تاریخی بسیار میان ایران و ارمنستان موجب شده است که زبان فارسی و فرهنگ ایرانی از دیرینه‌ترین روزگار در ارمنستان از جایگاه خاصی برخوردار و به عنوان زبان دوم ارمنه با اقبال مردم روبه‌رو شود و به فراگیری آن شوق و ذوق بسیار نشان دهند (مدرسی، ۱۳۸۵: ۳۹۵). به علاوه، نزدیکی سنن ارمنیان به مادها به اندازه‌ای بود که برخی مورخان معتقدند مادها بنیانگذار رسوم ارمنی‌ها بوده‌اند. آرایش‌ها، احترام به پادشاهان، و نوع لباس‌ها، همه نشانه‌هایی از نزدیکی فرهنگی و اجتماعی میان این دو قوم بوده است (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۳ب: ۶۳۷: ۱). در کتیبه‌های بیستون و کعبه زرتشت، اشاره‌هایی به ارمنستان وجود دارد که می‌تواند نقش راهبردی این منطقه در سیاست‌های بزرگ هخامنشی را نشان دهد.

۶. روابط ایران و ارمنستان در دوره پارت‌ها

ارمنستان در دوران پارت‌ها بیشترین پیوند و ارتباط را با دولت پارت برقرار کرد. در حقیقت، شاخه‌ای از خاندان اشکانی مدت زیادی در ارمنستان به پادشاهی رسید و مناسبات دوستانه‌ای میان آنان حاکم بود. بیشترین گزارش‌هایی که مورخان در ارتباط با تاریخ اشکانیان به دست آورده‌اند، مربوط به تاریخ ارمنستان است (رجبی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۸۱). نام‌های ارمنی نیز ریشه ایرانی و به‌ویژه پارتی دارند و اقتباسی از اسامی خدایان و ایزدان مشترک میان دو قوم، همچون تیرداد، مهرداد، میترا و آناهیتا، که مورد ستایش و تقدیس هر دو قوم بوده‌اند، هستند.

در قرون نخستین میلادی، مسیحیت از دو راه وارد ایران شد: نخست از غرب، یعنی میان‌رودان و عراق، و دیگری از راه ارمنستان (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۵). نخستین تماس‌های سیاسی ایران و روم حدود سال ۹۶ ق.م، در دوران پادشاهی مهرداد دوم (۱۲۳-۸۷ ق.م)، در کنار رود فرات و با تبادل سفرا صورت پذیرفت (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۰۷-۱۰۶). رومی‌ها با اشتیاقی سیری‌ناپذیر به همسایگی با اشکانیان رسیدند و دو قدرت یکدیگر را تحت نظر داشتند، اما از دست زدن به تحرکات نظامی اجتناب می‌کردند. در این دوره، ارمنستان تحت نفوذ پارت قرار گرفت. در مناقشات میان مهرداد و آرتاوازد، شاه ارمنستان، تیگران دوم (کبیر)، فرزند شاه ارمنستان، به‌عنوان گروگان در اختیار شاه پارت قرار گرفت. بعدها، این گروگان ارزشمند در ازای واگذاری اراضی هفتاد دره معروف، از سوی مهرداد به تاج و تخت ارمنستان رسید (زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۴۰).

تیگران (شکل ۱) اگرچه به‌عنوان شاه دست‌نشانده پارت بر ارمنستان حاکم شد، قدرتش به حدی فزونی گرفت که نه تنها اراضی هفتاد دره را از مهرداد پس گرفت، بلکه وارد دسته‌بندی‌های سیاسی نیز شد. در این ایام، که رومی‌ها درگیر جنگ‌های مهرداد (مهرداد ششم پادشاه پونت) بودند، تیگران با مهرداد متحد شد و حتی سعی کردند با وارد کردن دولت پارت در این اتحادیه، مثلث قدرتی ایجاد کنند که شاه اشکانی سیناتروک از شرکت در این جنگ‌ها خودداری کرد و بی‌طرف ماند (کالج، ۱۳۸۸: ۴۹).

مقارن با زمانی که دولت پارت گرفتار جنگ‌های داخلی و از هم‌گسیختگی بود، قدرت رو به گسترش روم در آناتولی با دولت پارت برخورد کرد و تاریخ پارت در حوزه دید مورخان رومی قرار گرفت (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۳، ب ۱: ۱۴۷). باید گفت که مطیع کردن ارمنستان به‌صورت یک دولت دست‌نشانده از سوی رومی‌ها، چه در دوره جمهوری و چه در دوران امپراتوری، از اهداف اصلی و اساسی برنامه امپراتوران روم مبنی بر توسعه به سوی شرق بود. ارمنستان می‌توانست دژی در برابر پارت‌ها باشد و خاطر آنان را از تهاجم اقوام ساکن قفقاز راحت و آسوده سازد (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

نبرد حران (کرهه) در سال ۵۳ ق.م، در زمان اردشیر یار نامدار اشکانی (۳۶-۵۷ ق.م)، قدرت بلامنازع پارت را به رخ رومی‌ها کشید. تا قبل از این رویداد، دو کشور سعی می‌کردند از برخورد نظامی با یکدیگر اجتناب کنند. در این جنگ، که شاه ارمنستان جانب قدرت برتر یعنی پارت را گرفت، با شکست کامل رومی‌ها و تفوق اشکانیان خاتمه یافت و رود فرات مرز میان دو دولت تعیین شد.

در صف‌آرایی بعدی رومی‌ها در دوره آنتونی، اگرچه آرتاوازد، شاه ارمنستان، به رومی‌ها پیوست، ولی به محض شکست متحدانش در نخستین درگیری با پارت از جنگ کناره گرفت و به ارمنستان بازگشت. لژیون رومی ضمن شکست در مقابل سپاه فرهاد چهارم (۳۹-۳ ق.م) و دادن تلفات سنگین به‌دلیل گرسنگی، سرما، برف و بوران، پس از ۲۷ روز به رود ارس رسید (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۶۲). این لشکرکشی بزرگ رومی‌ها که شرح آن را پلوتارک در تاریخ خود آورده است، بی‌اختیار علاقه‌مندان به تاریخ را به یاد بازگشت ده‌هزار نفری سپاه شکست‌خورده کورش کوچک می‌اندازد که به همراهی مزدوران یونانی، مسیر سخت و پرپیچ‌وخم آذربایجان و کردستان و ارمنستان را طی کردند و بیشتر آنان هلاک شدند.

آرتاوازد در پی این اقدام از تنبیه آنتونی در امان نماند. آنتونی به بهانه ازدواج پسرش الکساندر که از کلئوپاترا داشت با دختر پادشاه ارمنستان، به آنجا لشکر کشید و او را به مصر برد و در آنجا او را گرفت (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۳، ب ۱: ۱۶۵). در سال ۲۰ ق.م، آگوستوس از طریق دیپلماتیک با پارتیان به سازش رسید و قرار بر این شد که ارمنستان را به‌عنوان یک دوست حائل پذیرند و در آن منطقه نفوذ یکسانی داشته باشند (دوبلوئیس و وان در اسپیک، ۱۳۸۲: ۲۳۵).

در آغاز سده نخست میلادی، با ظهور عیسی (ع)، به‌دلیل حاکمیت کافرکشی رومی، پیروان او به مدت سه سده گرفتار قتل و آزار شدند و از این رو، از مرزهای ارمنستان و بین‌النهرین به ایران پناه می‌بردند. در این برهه که اشکانیان بر سریر قدرت تکیه زده بودند، به‌دلیل نبود یک کیش رسمی و تسامح دینی، متعرض مسیحیان نشدند و بنابراین مسیحیت آرام‌آرام در ایران نشو و نما یافت.

A black and white photograph of a circular silver coin, likely a Roman aureus. The coin features a profile of a man facing right, wearing a laurel wreath and a beaded necklace. The coin is set against a dark background.

دوران آرامش به زودی سپری شد، چون موضوعات مختلفی از جمله نرمش فرهادک در موضوع ارمنستان و نارضایتی نجباتی بارتی از وی، وضعیت کشور را وارد بحرانی کرد که سبب خلع و قتل او شد. در دوران بلاش اول (۷۸-۵۱ م)، وی توانست با روم بر سر مسئله ارمنستان کنار بیاید. بلاش توانست برادر خود، تیرداد یکم، را به شاهی ارمنستان بنشاند. دو دولت جهت برون رفت از بحران سیاسی و اجتناب از به صدا درآمدن ناقوس جنگ، مطابق با پیمان صلح راندا توافق نمودند که یکی از شاهزادگان اشکانی به پادشاهی ارمنستان برسد، ولی تاج شاهی را از دستان امپراتور روم نرون دریافت کند. این سیاست همزیستی مسالمت آمیز برای مدتی حیثیت دو قدرت را حفظ کرد (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۵۰). اقدام خسرو شاه پارت (۱۲۸-۱۰۸ م) در به زیرکشیدن آکسیدارس از پسران پاکور که به احتمال قوی با موافقت و اشاره روم بر تخت ارمنستان جلوس کرده بود، چون بدون رازینی با روم انجام پذیرفت، موجبات مداخله آنان در ارمنستان را فراهم آورد و بدین گونه سازش درازمدت آنان بر سر قضیه ارمنستان شکسته شد. خسرو هرچند با ارسال سفرایی سعی کرد رضایت روم را برای جانشینی فرزند دیگر پاکور، یعنی پارتامازیریس، جلب کند، سودی نبرد و تراژان اعلام کرد قصد دارد ارمنستان را از استان های قلمرو روم کند و پس از مدتی، ارمنستان به فرمان یک حاکم رومی درآمد (کالچ، ۱۳۸۳: ۶۸؛ ولسک، ۱۳۸۴: ۱۹۹).

9

رضایت ندادند و وارد کارزار با اردشیر شدند. خسرو شاه ارمنستان حتی از فیلیپوس قیصر روم برای جنگ با اردشیر کمک خواست و قیصر، با یک فراخوان، نیروهایی را به کمک او فرستاد (خورنی، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

نقل است که خسرو اول پادشاه ارمنستان حتی با پناه دادن به فرزندان فراری اردوان پنجم، آنجا را به پایگاهی بر ضد حکومت نوخاسته ساسانی تبدیل کرد (آگاتانجلوس، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۰). ارمنستان حتی معابر قفقاز را به روی سکائیان باز کرد و از آنان جهت مقابله با اردشیر مساعدت طلبید (گیرشمن، ۱۳۸۶: ۳۴۸). ارمنستان که در طول چندین سده بین دو قدرت شرق و غرب گیر افتاده بود، اغلب نقش میانجی و گاه محافظه کارانه را بازی می کرد. هر زمان که وجود یک قدرت برتر را حس می کرد، به آن نزدیک می شد و سعی می کرد رضایت خاطر آن را فراهم کند.

در دوره آغازین حکومت ساسانی، شهریاران آن احساس خطری از بابت حضور و نفوذ مسیحیان در ایران نمی کردند. بنابراین، نمی توان انتظار داشت که به محض رسمیت بخشی دین زرتشت از سوی اردشیر، بلافاصله تعقیب و آزار اقلیت های دینی، خاصه مسیحیان، آغاز شده باشد. اشکانیان ارمنستان اگرچه در دوره شاهنشاهی اردشیر بابکان با حمایت رومی ها توانستند به تداوم فرمانروایی خود در این خطه امیدوار باشند، ولی ضربات سختی که شاپور اول بر روم وارد ساخت و تعهد عدم دخالت فیلیپ در امور ارمنستان و واگذاری سرنوشت آن به دولت ساسانی پس از شکست از شاپور، این امیدها را بر باد داد (زرین کوب و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۸).

به احتمال قوی، در دو مورد، یعنی در سال های (۲۶۵ و ۲۶۰ میلادی)، شاپور اول در جنگ با رومیان شمار زیادی از اسرای مسیحی را برای خدمت در سپاه شاهنشاهی استخدام کرد و این افراد از میان جمعیتی گرفته شده بودند که شاپور آنها را از انطاکیه و شهرهای دیگر کوچ داده بود (بیکرمان و دیگران، ۱۳۹۳، ج ۳، ب ۲: ۳۷۲). ارمنستان زمانی که نرسی شاه آنجا بود، به منزله فرماندهی نظامی کلیه قوای ساسانی به شمار می آمد (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۶۴) و در واقع ولیعهدنشین ایران محسوب می شد. بسیاری از وارثان تاج و تخت ایران تا زمان پادشاهی خود در ارمنستان اقامت می کردند و لقب «وزرگ ارمن شاه» یعنی شاه بزرگ ارمنستان داشتند (Agathangelos, 1976: 35). ارمنستان سکوی پرواز برای رسیدن به تاج و تخت شاهزادگانی چون هرمزد اردشیر و نرسی بوده است (زرین کوب و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۸) و این نکته بیانگر نقش حیاتی ارمنستان برای شهریاران ایران در طول تاریخ بوده است.

ارمنستان که با اردشیر مصاف داده بود، از سوی شاپور اول تنبیه شد. با قتل خسرو شاه ارمنستان، هرمزد از سوی پدرش شاپور به پادشاهی ارمنستان منصوب گردید (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۳، ب ۱: ۲۲۷). سکه های نقره یک درهمی مربوط به دوران حکومت هرمز اردشیر در ارمنستان بدست آمده که بر روی سکه تصویر نیم تنه هرمزد و دور سکه جمله «مزد ا پرست خدایگان او هرمزد بزرگ شاهنشاه ارمنستان» حک شده است (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۶۷ و ۲۷۷). گرفتاری های بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶ میلادی) از جمله شورش برادرش هرمزد سکانشاه از یکسو و مخالفت های نرسی از سوی دیگر، به بیزانس فرصت داد تا تسخیر تیسفون (۲۸۳ میلادی) به وسیله کاروس به راحتی صورت پذیرد. در معاهده صلحی که پس از مرگ کاروس تحقق یافت، ارمنستان و بین النهرین به تصرف رومیان درآمد. این واگذاری البته از سوی بهرام بی دلیل نبود؛ زیرا همان طور که اشاره شد، خبر طغیان وحشتناک برادرش هرمزد را در صفحات شرقی شنید و پس به ناچار تن به مصالحه با روم داد (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۳۱۹).

۱/۷. پذیرش مسیحیت و نقش آن در سیاست ارمنستان

شهریاری نرسی (۳۰۲-۲۹۳ م) دورانی تلخ و تأسفار برای ایرانیان بود. وی که تا مرگ بهرام دوم در ارمنستان بود، اگرچه به قدرت کرتیر و جزم اندیشی های او خاتمه داد، اما در یک رشته محاربات با روم، خانواده اش به اسارت رفت و طی قرارداد صلحی نه تنها بخشی از میان رودان بلکه ارمنستان را نیز واگذار کرد و حق انتخاب شاه ایبری را نیز به رومیان سپرد (دریایی، ۱۳۸۷).

۳۰). در پایان فرمانروایی نرسی و آغاز سده چهارم میلادی، تیرداد سوم (۲۹۸-۳۳۰ میلادی) شاه ارمنستان به کوشش گریگوری مقدس، مسیحیت را پذیرفت و او را می‌توان نخستین شاه مسیحی جهان نامید. در گرایش به دین مسیح، ارمنی‌ها گوی سبقت را از رومی‌ها ربودند. رومی‌ها در حدود سال ۳۱۳ میلادی با مساعی کنستانتین، مسیحیت را آزاد اعلام کردند و دستور منع تعقیب و آزار پیروان آن را مطابق با فرمان مشهور میلان صادر کردند (سامی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۵۳).

به‌دنبال این چرخش مذهبی کنستانتین و حمایت از مسیحیان، رشته‌های پیوند ارامنه و ایران باریک‌تر شد، به‌گونه‌ای که در مشاجرات میان ایران و روم، ارمنستان به واسطه پیوند مذهبی به روم متمایل می‌شد (حسین‌طالابی و جرفی، ۱۳۹۴: ۹۸). با پذیرش مسیحیت در ارمنستان، کلیسا قدرت یافت و ثروت‌های پرستشگاه‌ها نیز به خدمت کلیسا درآمد. این قدرت‌گیری سیاسی، اقتصادی و قضایی زمینه‌های برخورد اشراف و بزرگان ارمنی با عوامل کلیسا را به‌دنبال داشت که باعث ضعف روم شرقی شد و نتیجه آن تصرف مجدد ارمنستان غربی به‌وسیله ایرانیان بود. ادامه این وضع تا سال ۴۲۸ میلادی و عصر بهرام پنجم ادامه داشت (رضا، ۱۳۵۱: ۵۲).

برخی محققان چون لانگ دلیل گرایش ارامنه به مسیحیت را صرفاً سیاسی و جهت آزادی از استیلای ایرانیان دانسته‌اند. وی می‌گوید: «درآمد گرجی‌ها و ارامنه به کیش مسیح، یک حرکت سیاسی بود که به منظور قرار دادن کشور در مدار تمدن سریانی - یونانی و در ایستادن در برابر جذب و ادغام فرهنگی و دینی ایرانیان انجام گرفت» (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۳، ب: ۱: ۶۳۲). عموم مورخان ارمنی بر این عقیده‌اند که ارمنستان در گذشته کافر و جاهل و دچار تفرقه و اختلاف بود. از وقتی که دین مسیح را پذیرفت، نگرشی یگانه یافت و به ملتی واحد تبدیل شد (Russell, 1987: 126) (شکل ۲).



شکل ۲: کلیسای جامع اچمیادزین یا کلیسای حواری ارمنی. این کلیسا در شهر واغارشاپات ارمنستان واقع است. احداث این ساختمان (بنای اصلی) در سال ۳۰۳ میلادی به پایان رسید. از کلیسای جامع اچمیادزین به عنوان «نخستین کلیسای جامع در تاریخ مسیحیت» یاد می‌شود که توسط گریگور روشنگر بنیان نهاده شده است (ویکی‌پدیا).

۲/۷. تحولات مذهبی دوره شاپور دوم و تبعات آن بر مسیحیان ایران

دوران زمامداری شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) دوره‌ای خاص در تاریخ ایران است. اهمیت مسائل و موضوعات مذهبی از ویژگی‌های مهم این دوران به شمار می‌رود. این دوره هم‌زمان با اعلام فرمان میلان از سوی کنستانتین در سال ۳۱۳ میلادی بود که مسیحیان را از آزادی در انجام اعمال مذهبی بهره‌مند ساخت و تنها ده سال پس از آن، خود کنستانتین به مسیحیت گروید (۳۲۳ میلادی). این تحولات در روابط و مناسبات سه دولت ایران، ارمنستان و بیزانس تأثیرگذار بود. از آن زمان، نه تنها ارمنیان بلکه مسیحیان ایرانی نیز به دلیل تعلقات مذهبی‌شان به روم متمایل شدند، به‌طوری‌که در نظر شهریاران ساسانی به جاسوسان و خائنان تبدیل گشتند. در حقیقت، از زمانی که کنستانتین مسیحی شد، جهان وارد معادلات سیاسی جدیدی شد و مناسبات شرق و غرب دگرگون گشت. کنستانتین که از حمایت مسیحیان در ایران به‌عنوان یک مسئولیت مهم می‌نگریست، خصومت‌های دینی را بر خصومت‌های ملی ایران و روم افزود (تاج‌پور، ۱۳۴۴: ۱۵۹). پادشاهان ایبری و ارمنستان از آن زمان به پرستش خدای کنستانتین پرداختند و اتباع این دو سرزمین که در همه حال عنوان مسیحی را حفظ کرده بودند، به زودی رابطه‌ای دینی و مقدس با رومی‌ها برقرار کردند (گیبون، ۱۳۷۰، ج ۱: ۵۰۷).

دوران طولانی سلطنت شاپور دوم در تاریخ ایران تحولات خاصی به‌وجود آورد. نگاه مورخان و نویسندگان اغلب به این برهه زمانی معطوف شده است. کارنامه شهدای مسیحی که تحت تعقیب و آزار قرار گرفتند، حوادث این دوره را با حساسیت و تعصب ویژه‌ای به رشته تحریر درآورده است و اوج سخت‌گیری‌ها و آزار مسیحیان در این دوره مطرح می‌شود. اما سوالی که مطرح است این است که آیا شاپور دوم واقعاً تعصب زرتشتی داشت؟ برخی منابع نشان می‌دهند که مناسبات شاپور دوم و کنستانتین در این برهه زمانی دوستانه و با نرمش بوده است. کنستانتین در نامه‌ای به شاپور اشاره می‌کند که شکست والریانوس از شاپور اول، مجازات آزار مسیحیان بوده و از برخورد خوب شاپور دوم با مسیحیان خوشحال است (میلر، ۱۳۸۲: ۲۳۴). پس از مرگ کنستانتین، شاپور دوم خود را قدرتمند یافت و با استرداد ایالاتی که در زمان نرسی به ایران ضرر رسانده بودند، توانست قدرت خود را به رقیبان نشان دهد. در این دوره، مسیحیان ایرانی به عنوان تهدیدی برای ایران شناخته شدند و در نتیجه به اتهام خیانت و جاسوسی تحت تعقیب قرار گرفتند و تعدادی از آنها کشته شدند. شاپور در نامه‌ای به شاهزادگان آرامی می‌نویسد: «به محض دریافت این فرمان، سیمون رئیس نصاری را دستگیر کنید زیرا آنها در مملکت ما زندگی می‌کنند و دوستدار دشمن ما قیصر هستند» (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۳۶۵). در این دوره که ارمنستان مجدداً تحت سلطه ایرانیان قرار گرفت، اختلافات داخلی آنجا موجب تقسیم‌بندی طرفداران روم و ایران شد که تا پایان فرمانروایی شاپور دوم ادامه یافت (جعفری دهقی، ۱۳۸۲: ۲۱۳ و ۲۱۲). در بیشتر تهاجمات شاپور دوم به ارمنستان، اشراف ارمنی (ناخارارها) نقش رهبری ایفا کردند و شاپور را در اقدامات خود یاری دادند (Henzel, 2008: 165).

۳/۷. تقسیم ارمنستان میان ایران و روم

با تقسیم ارمنستان در سال ۳۸۷ میلادی، هویت ملی و فرهنگی ارمنیان تحت تأثیر شدید فرهنگ‌های ایرانی و یونانی - رومی قرار گرفت و این امر به انشقاق در میان مردم ارمنستان انجامید (Adontz, 1970: 9) (شکل ۳). مسروپ ماشتوتس به منظور مقابله با خطر نابودی هویت ملی ارمنیان در شرایط فقدان سیاسی، الفبای ارمنی را ابداع کرد (آقایان، ۱۳۷۶: ۴۳). خورنی، مورخ ارمنی، این اقدام را موهبتی الهی دانسته است (خورنی، ۱۳۸۰: ۲۶۳-۲۶۵). با استفاده از این خط، متون مقدس ترجمه و تاریخ ارمنستان به نگارش درآمد.



شکل ۳: تقسیم ارمنستان بین ایران و روم. نقشه ارمنستان بین ۳۸۷ تا ۵۳۶ میلادی

(https://www.wikiwand.com/fa/articles/تاریخ_ارمنستان)

در پایان فرمانروایی شاپور سوم، ایران و روم ارمنستان را میان خود تقسیم کردند. بی‌گمان آزادی زندانیان سیاسی مسیحی در قتل شاپور دخالت داشت (Pourshariati 2008: 58؛ محمودآبادی، ۱۳۹۲: ۲۳۰). در دوران بهرام چهارم (۳۸۷-۳۹۹ م) این تقسیم‌بندی همچنان برقرار ماند. در این تقسیم‌بندی، قسمت شرقی که وسیع‌تر بود، سهم ایران و بخش غربی تحت تسلط رومیان درآمد. بهرام همچنین ورازدات، فرزند خسرو را به پادشاهی ارمنستان منصوب کرد (کرستن سن، ۱۳۷۷: ۳۴۹). شواهد نشان می‌دهند که بزرگان و نجبای ارمنی نسبت به مسیحی شدن قلمرو خود اعتراض داشتند و در تحریک شاپور دوم به حمله بر ارمنستان نقش داشتند (فرای، ۱۳۸۲: ۴۹۵). زیرا دین جدید دولتی را خطری برای قدرت خود می‌دانستند (شیپمان، ۱۳۸۶: ۳۶). معروف‌ترین تاریخ‌هایی که برای این تقسیم‌بندی گزارش شده‌اند، ۳۸۷ و ۳۸۹ پس از میلاد هستند. عدم توافق میان محققان در این زمینه به ماهیت منابع موجود مربوط می‌شود که در دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند. گروه اول نویسندگان رومی و یونانی‌اند که ترتیب زمانی برای این دوره ارائه می‌دهند اما از امور ارمنیان چیزی ذکر نمی‌کنند، و گروه دوم نویسندگان ارمنی هستند که جزئیات قابل ملاحظه‌ای دربارهٔ امور ارمنیان در آن دوره ارائه می‌دهند، ولی ترتیب زمانی آنها قابل اطمینان نیست (Blockley, 1987: 222).

عموم مورخان در نوشته‌های خود تصویر زشت و نامطلوبی از یزدگرد اول (۴۲۱-۳۹۹ م) ارائه داده و او را متهم به بددینی کرده‌اند (طبری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۰۹؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۴۷؛ یعقوبی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۹۹؛ دینوری، ۱۳۶۴: ۷۸). این شهریار ساسانی در ابتدا به مسیحیان آزادی داد. نزدیکی او به مسیحیان سبب گردید تا روحانیون زرتشتی او را گناهکار خوانده و در منابع سریانی او را "عیسوی رحیم و مقدس‌ترین پادشاهان" خطاب کنند. گستاخی مسیحیان خوزستانی در شهر هرمزد اردشیر و خرابی یک آتشکده توسط حشونامی از روحانیون عیسوی سبب شد تا این افراد مورد تعقیب قرار گیرند و اسقف عبدا به عنوان محرک این اقدام به همراه تعدادی از مسیحیان اعدام شود (سامی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۴۰).

ارمنستان در دوره بهرام پنجم (۴۳۸-۴۲۱ م) باز صحنه کشاکش و رقابت دو قدرت قرار گرفت. گروهی از مسیحیان ایرانی به قلمروی بیزانس پناهنده شدند و بهرام خواهان استرداد آنان شد، ولی تئودوزیوس حاضر به پس دادن آنها نشد. در نتیجه، در زد و خوردی که صورت گرفت، بیزانس غالب شد و مطابق عهدنامه صلح (۴۲۲ میلادی) مسیحیان اجازه یافتند تا در قلمروی دولت ساسانی اعمال و مناسک دینی خود را آزادانه انجام دهند. بیزانس نیز متعهد شد هزینه دفاع از دربندهای قفقاز را به ایران بپردازد (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۳ ب ۱: ۲۴۴). چند سال بعد (۴۲۶ میلادی) با برکناری آرتاشس (اردشیر) از سلطنت، ارمنستان یکی از ایالات ایران به شمار آمد و یکی از نجبای بزرگ ایران به مرزبانی آن گماشته شد (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۱۷).

موضوع حفاظت از بندهای قفقاز همواره از دغدغه‌های دو دولت بیزانس و ساسانی به شمار می‌رفته است (شکل ۴). منافع مشترک دو طرف اقتضا می‌کرد که با حراست از این دالان‌ها و سد کردن ورود اقوام صحراگرد و خشن آسیای میانه، از قتل و غارت و ویرانی شهرهای خود جلوگیری به عمل آورند. دولت ساسانی ضمن توافق با بیزانس، در ازای استرداد مقادیری سکه، حراست از این تنگه‌ها را بر عهده گرفت. بیزانس به هنگام ضعف دولت ساسانی و آشفتگی‌های داخلی از پرداخت وجوه خودداری می‌کرد و این امر روابط دو دولت را تیره می‌ساخت.



شکل ۴: شهر باستانی دربند و استحکامات و دژ اطراف آن برای کنترل مرز بین شمال و جنوب قفقاز، متعلق به دوره ساسانی. اهمیت استراتژیک این دژ و حصار در آنست که در دامنه‌های کوه‌های نباساران رشته‌کوه‌های قفقاز قرار دارند و تنها نقطه نفوذی بین دریا و کوه‌ها را تشکیل می‌دهند (جوادی، ۱۴۰۱)

در این دوره، به دنبال اختلافات ایران و بیزانس، مساعی دادیشوع نام، جاثلیق ایرانی، منجر به آن شد که شورای اسقفان در بلاد غرب رأی به انفصال کلیسای ایران از بیزانس داد و وضع مسیحیان ایرانی تا حدی مستحکم شد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۵۹). دو دستگی‌هایی که در اوایل قرن پنجم در دین مسیحیت پدید آمد، سبب شد تا مسیحیان ارمنستان و نستوریان که به سرزمین ایران مهاجرت کردند، خود را از سیطره روم شرقی آزاد کنند و با سیاست‌های دولت ساسانی همسو شوند. مسیحیان ارمنستان با خودداری از پذیرش تصمیمات مجمع شورای کلیساها در افسوس، کلیسای خود را مستقل اعلام کردند (Panossian, 2006: 43-44). این اقدام به آن‌ها امکان می‌داد تا مانع ادغام هویت فرهنگی خود با بیزانس شوند.

۴/۷. سختگیری مذهبی بر مسیحیان ارمنی از سوی دولت ساسانی

موضوع مسیحیان و ارامنه در دوران یزدگرد دوم (۴۵۷-۴۳۸ میلادی) همچنان باقی بود و تبدیل به یکی از موضوعات داغ شرح حال نویسان و مورخان ارمنی و غربی شد. سبئوس اسقف بارگراتونی در تاریخ خود از یزدگرد دوم با عناوین بزهکار و کسی که کمر به نابودی دین خدا بسته، یاد می‌کند (سبئوس، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۲). یزدگرد به توصیه مهرنرسی، وزیر اعظم خود، ملقب به هزار بندگان، فرمانی صادر کرد که به موجب آن دین زرتشت می‌بایست به مذهب رسمی ارامنه تبدیل می‌شد. الزام در گرویدن به دین زرتشت، شورش ارامنه را به دنبال داشت. در نبرد آوارایر (۴۵۱ میلادی) ارامنه به سختی شکست خوردند و روسای آن‌ها نیز به اسارت گرفته شده و جمعی نیز تبعید شدند که شرح این آزارها در کارنامه اعمال شهدای عیسوی به تفصیل و آب و تاب خاصی آمده است (دریایی، ۱۳۸۷: ۳۹). می‌توان چنین پنداشت که یکی از موجبات شورش ارامنه، گرفتاری‌های یزدگرد دوم در صفحات شرقی بود. ارامنه، این‌گونه که خود را از چشم وی دور می‌دیدند، فرصت را مغتنم شمرده و شورش راه انداختند که در نهایت مغلوب شدند. تلاش یزدگرد در محو و زدودن نفوذ فرهنگی و دینی رومی‌ها از ارمنستان تا حدی پیش رفت که فرماندار ایرانی ارمنستان صحبت کردن و ترجمه به یونانی را ممنوع اعلام کرد (Henzel, 2008: 185).

پرسشی که اکنون به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا یزدگرد دوم در مورد تغییر دین ارمنستان به کیش زرتشتی جدیت زیادی به خرج داد و این اهتمام او ریشه در چه چیزی داشته است. از عوامل مهمی که در این اقدام یزدگرد دخیل دانسته‌اند، خشنود کردن اشرف و راضی ساختن روحانیون زرتشتی از او بوده است (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶۵). این‌گونه به نظر می‌رسد که اشراف و تجبای ارمنی (ناخارارها) فیز که صاحب املاک و ثروت فراوانی بودند، در مخالفت با پدیده رو به رشد مسیحیت و پیروان آن دچار تردید نشدند. آن‌ها از قدرت رو به رشد کلیسا و نفوذ آن بیم داشتند، چون نه تنها منابع مالی کلیسا در حال افزایش بود بلکه قدرت معنوی آن نیز که با دربار ارتباط پیدا کرده بود، سیر صعودی پیدا کرده بود. در واقع، به چشم اشراف ارمنی، شاه تیرداد که دین جدید را از غرب گرفته بود و ارمنیان مزدپرست را که از قرن ششم قبل از میلاد بر این دین بودند، طرد کرده بود، خودش یک کافر و بدعت‌گذار بود. این طوایف و اشراف ارمنی که از ساسانیان حمایت می‌کردند و از سوی مورخان ارمنی با عناوین تبه‌کار و بدکردار از آنان یاد می‌شدند، خواهان آن بودند که سنت‌های باستانی ارمنی را در برابر نوخاستگان مسیحی حفظ کنند (دریایی، ۱۳۸۷: ۲۳). با انقراض سلسله آرشاکونی (اشکانی) در ارمنستان به سال ۴۲۸ میلادی، ارمنستان تا ورود اعراب مسلمان، به شکل چند امیرنشین بزرگ بر فرمانروایی نجبای بزرگ ارمنی و به صورت غیر مستقل ادامه حیات داد (Walker, 1990: 25). این تسلط ایرانیان به ارمنستان در سال ۴۲۸ میلادی که انقراض سلسله آرشاکونی را به دنبال داشت، بحران ۴۵۱ میلادی (نبرد آوارایر) را به وجود آورد (Toumanoff, 1954: 134). چیزی که بهرام پنجم را در اضمحلال سلسله آرشاکونی و خلع آرتاشس مصمم ساخت، متوسل شدن اشراف ارمنی به وی و شکایت از تبه‌کاری آرتاشس بود (Thomson, 1991: 13). در نتیجه، ارمنستان به عنوان یکی از ایالات ایران درآمد.

موضوع طبیعت وجودی مسیح در دوران پیروز (۴۵۹-۴۸۳ میلادی) موجب انفصال کلیسای ایران از بیزانس و تقسیم مسیحیان به دو گروه شد. در این دوران، مجادلات کلامی بر سر دو طبیعت مجزا (نستوری) و وحدت دو طبیعت در ذات مسیح (یعقوبی) شکل گرفت. این اختلافات موجب حمایت بیزانس از یعقوبی‌ها و پشتیبانی ایران از نستوریان گردید که این مرزبندی به ویژه از دخالت بیزانس در امور داخلی مسیحیان ایرانی جلوگیری کرد (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

پیروز پس از شکست خوردن از هفتالیان در شرق، به ارمنستان بازگشت تا شورش ارامنه تحت رهبری واهان مامیکونی را سرکوب کند. در نبردی که در جریان بود، ساهاک به دلیل خیانت شاه گرجستان کشته شد، اما واهان با خروج سپاه ایران توانست ارامنه را گردآوری کند. پیروز دو سال بعد در جنگ با هفتالیان کشته شد (یارشاطر، ۱۳۸۳، ج ۳، ب ۱: ۲۴۷).

بلاش (۴۸۴-۴۸۸ م) که پایه‌های حکومتش متزلزل بود، به دلیل فشار هفتالیان و نیاز به صلح با ارامنه، آزادی مذهبی برای مسیحیان ارمنی فراهم آورد. این اقدام به دلیل حمایت واهان سردار ارمنی از برادر بلاش در سرکوب شورش زیر بود (زرین کوب، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۶۵).

قباد (۴۸۷-۵۳۱ م) پس از ظهور نهضت مزدکی و بروز هرج و مرج، برای فرونشاندن قدرت روحانیون، بر موج این جنبش سوار شد، اما از سلطنت خلع گردید. با این حال، پس از مدتی، با حمایت هیاطله و پرداخت غرامت، دوباره به سلطنت رسید. تعلل و امتناع رومیان از پرداخت هزینه‌های دربند قفقاز بهانه آغاز جنگ با بیزانس شد. او توانست ارزروم پایتخت ارمنستان را تسخیر کند. همچنین، در لشکرکشی به روم، قباد توانست افواجی از هیاطله را با خود همراه سازد (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۴۷۰-۴۷۱). در این دوره، معادن طلای فرنگیه در ارمنستان که مالیات آن می‌بایست به ایران پرداخت می‌شد، یکی دیگر از عوامل بروز اختلافات سیاسی میان ایران و بیزانس بود (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

۵/۷. بهبود وضعیت مسیحیان ایران

خسرو اول (انوشیروان، ۵۳۱-۵۷۹ م) با اصلاحات اجتماعی و نظامی موفق به تسخیر ارمنستان و دریافت غرامت از بیزانس شد. این اقدامات منجر به شورش ارمنی‌ها در ۵۷۱ میلادی و قتل عام حاکم ایرانی و نگهدارانش شد (دریایی، ۱۳۸۷: ۴۷). در نتیجه، قرارداد صلح پنجاه‌ساله با بیزانس به مسیحیان و ارامنه آزادی‌های بیشتری اعطا کرد.

هرمزد چهارم (۵۹۰-۵۷۹ میلادی) در جبهه شرق با ترکان و در غرب با دولت بیزانس مصاف داد. سال‌های پایانی سلطنت او با شورش بهرام چوبین مواجه شد که نتیجه آن، برهم ریختن نظم کشور، خلع هرمزد از پادشاهی و جلوس خسرو دوم (پرویز) به تخت سلطنت بود. به نقل از طبری، مسیحیان در این دوره زندگی توأم با آرامشی داشتند و هنگامی که روحانیون زرتشتی از هرمزد خواستند تا آنان را مجازات کند، وی پاسخ داد: «از ستم به نصارا بپرهیزید و با کارهای نیک، مراتب سپاسگزاری آنان را فراهم کنید تا به دینتان راغب شوند» (طبری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۷۲۵).

پایه‌های تخت سلطنت خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۱ میلادی) لرزان بود، از این جهت که بهرام چوبین، سردار پرآوازه ساسانی که در دوران هرمزد چهارم سر به شورش برداشته بود، گردن به اطاعت خسرو فرو نیاورد. خسرو به مدد نیروهای قیصر موریکیوس بر مدعی سلطنت، بهرام چوبین غالب شد. قیصر از این معامله به خوبی سود برد، چرا که تقریباً همه ارمنستان را از دست ساسانیان خارج کرد و سرحد یونانی به دریاچه وان و تفلیس رسید.

به نقل از سئوس، در میان سپاهیان اعزامی قیصر موریس که جهت مساعدت خسرو پرویز فرستاده شد، حدود پانزده هزار نفر از خاندان‌های اشرافی ارمنستان حضور داشتند. بهرام چوبین با ارسال نامه‌ای به آنان یادآوری می‌کند که: «چه زود جفای ساسانیان را در حق خود فراموش کرده‌اید، چرا که اگر خسرو پرویز بر من چیره شود، دمار از روزگار شما نیز در خواهد آورد. با من همراه شوید تا امور ارمنستان را به خودتان واگذار کنم» (سئوس، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۲). چنین به نظر می‌رسد که مورخ ارمنی از یک سو به نقش ارزنده سپاهیان ارمنی در اعاده تاج و تخت شاهی به خسرو پرویز بزرگ‌نمایی می‌کند و از سوی دیگر، جفای ساسانیان در حق ارامنه را به نسل‌های بعدی منتقل می‌نماید.

با مرگ قیصر موریکیوس، خسرو به بهانه انتقام پدرزن مقتول، ارمنستان را تسخیر کرد و از کاپادوکیه گذشت (گیرشمن، ۱۳۸۶: ۳۶۷). قسطنطنیه تهدید می‌شد، اما اتحاد کلیسا و امپراتور بیزانس را نجات داد و تمامی سرزمین‌های از دست رفته را مجدداً به دست آورد. با خلع و کشته شدن خسرو پرویز (۶۲۸ میلادی) شاهد بحران جانشینی در یک دوره چهارساله هستیم. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد در این دوره، به دلیل مشاجرات و جنگ‌های خانگی مربوط به جانشینی، رفتار با مسیحیان عاری از خشونت بود. در دوره کوتاه فرمانروایی شش‌ماهه شیرویه (قباد دوم)، مسیحیان در صلح و آرامش می‌زیستند (رویدادنامه خوزستان، ۱۳۹۵: ۷۵-۷۳) و در دوره پوراندخت، روحانیون مسیحی و واسطانی صلح با بیزانس در دوران

هراکلیوس شدند (طبری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۷۸۲). در این دوره نیز مجال دخالت در ارمنستان پیدا نشد، چرا که روی کار آمدن یزدگرد سوم مصادف با قدرت‌گیری اعراب و آغاز تاخت‌وتازهای آنان به مرزهای غربی ایران بود. اعراب که در واقعه ذی‌قار (۶۰۴ میلادی) سطوت ایرانیان را به یک‌سو نهاده بودند، با تسخیر عراق در سال ۶۳۳ میلادی و تصرف حیره و انبار و تمامی سرزمین‌های غرب فرات ضربات قطعی به سلطنت ساسانی وارد آوردند و سپس در سه جنگ قادسیه (۶۳۶ میلادی)، جلولاء (۶۳۷ میلادی) و نهاوند (۶۴۲ میلادی) به عمر دولت ساسانی خاتمه دادند.

۸. نتیجه‌گیری

ارمنستان در گذر تاریخ پیوند مستحکم سیاسی و فرهنگی با ایران داشته و به‌طور متناوب جزئی از قلمرو ایران به شمار می‌رفته است. موقعیت جغرافیایی خاص و وجود گذرگاه‌ها، همراه با نقش ویژه ارمنستان به‌عنوان واسطه تجارت شرق و غرب و ترانزیت کالا، به‌ویژه ابریشم، توجه دو دولت روم و ایران را به خود جلب کرده است. در اوایل سده چهارم میلادی، پس از پذیرش مسیحیت و آزادی آن در روم و ارمنستان، زمینه‌های پیوستگی این دو به‌دلیل تعلقات دینی مستحکم شد. ناهمگونی دینی ایران و ارمنستان از یک سو و تضاد منافع جغرافیایی ایران و روم در این منطقه از سوی دیگر، ارمنستان را به کانون مشاجرات و منازعات تبدیل کرد و روابط دو قدرت دستخوش تحولات اساسی گردید. ساسانیان اگرچه برای رسمیت‌بخشی به دین زرتشتی بارها مسیحیان و ارامنه را آزار دادند، اما این تعقیب‌ها و آزارها بیشتر بر اساس ملاحظات سیاسی بود تا دینی یا عقیدتی. ارمنستان برای دو قدرت شرق و غرب تنها یک ضربه‌گیر نبود، بلکه به‌عنوان سوپاپ اطمینانی عمل می‌کرد که با در دست داشتن آن، علاوه بر بهره‌برداری بیشتر از منافع اقتصادی و تجاری، قدرت تسلط بیشتری نیز بر پیرامون خود می‌یافتند. ارمنستان در ابتدا خراج‌گزار ایران بود، اما با ظهور قدرت روم و مناقشات پیرامون این سرزمین، زمانی ضمیمه خاک ایران و در دوره‌ای دیگر میان دو دولت تقسیم شد. سرانجام، با پذیرش و گسترش مسیحیت، سرنوشت ارمنستان با دولت‌های مسیحی، به‌ویژه روم، گره خورد.

منابع

- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۳۹۲). تقویم البدان، ترجمه عبدالعلی بیرجندی. تهران: سفیر اردهال.
- احمدی، کامران (۱۳۸۸). پیشینه دوستی اقوام ایرانی و ارمنی در گذر تاریخ. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۱۳(۴۷)، ۲.
- آقایان، ادوارد (۱۳۷۶). مسروپ ماشتوتس: پدیدآورنده الفبای ارمنی. ترجمه ناهید هوسپیان. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۲(۷ و ۸)، ۴۳-۵۴.
- آگاتا نجلوس (۱۳۸۰). تاریخ ارمنیان. ترجمه گارون سارکسیان. تهران: نشر نائیری.
- دوبلوپس، لوکاس، وان در اسپک، روبرتوس (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر جهان باستان. ترجمه مرتضی ثاقب فر. چاپ دوم. تهران: ققنوس.
- بیکرمان و دیگران (۱۳۹۳). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان. ج ۳، بخش دوم. پژوهش کمبریج. ترجمه حسن انوشه. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
- پیگولوسکایا، ن. و (۱۳۷۲). اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده چهارم تا ششم میلادی. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- تاج‌پور، محمد علی (۱۳۴۴). تاریخ دو اقلیت مذهبی یهود و مسیحیت در ایران. تهران: موسسه مطبوعاتی فراهانی.
- نعالی (۱۳۶۸). غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم. ترجمه محمد فضائلی. تهران: نشر نقره.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۸۲). بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ باستان. تهران: سمت.
- جوادی، عباس (۱۴۰۱). دربند، کهن‌شهر ایرانی در دل قفقاز. وب‌سایت تحلیلی و خبری آذری‌ها.
- حسین طلائعی، پرویز، جرفی، مصطفی (۱۳۹۴). واکاوی شاخص‌های تأثیرگذار بر مناسبات مرزی شاهنشاهی ساسانی و امپراتوری بیزانس در قرن پنجم میلادی. پژوهش‌های تاریخی، ۴۷(۴)، ۸۳-۱۰۲.
- خورنی، موسی (۱۳۸۰). تاریخ ارمنیان. ترجمه ادیک باغداساریان. تهران: نشر مولف.
- خوافی، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۷۸). جغرافیای حافظ ابرو. ج ۲، مقدمه، تصحیح و تحقیق صادق سجادی. تهران: میراث مکتوب.
- دریایی، تورج (۱۳۸۷). شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. چاپ چهارم. تهران: ققنوس.
- دینوری، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۶۴). اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. چاپ ششم. تهران: نشر نی.

- رجبی، پرویز (۱۳۸۰). هزاره‌های گم شده: اشکانیان (پارت‌ها)، جلد ۴. تهران: توس.
- رضا، عنایت اله (۱۳۵۱). موسی خورنی، تاریخ نگار ارمنی. مجله بررسی‌های تاریخی، ۲۷(۲)، ۴۹-۹۲.
- رویدادنامه خوزستان (۱۳۹۵). مؤلف نامعلوم. روایتی سریانی از آخرین سال‌های پادشاهی ساسانی. ترجمه و توقیعات خداداد رضاخانی و سجاد امیری بوندپور. تهران: حکمت سینا.
- زرین کوب، روزبه، ملکی، محمد (۱۳۹۶). جایگاه اشکانیان ارمنستان در روابط شاهنشاهی ساسانی با امپراتوری روم در سده سوم میلادی. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۲۰(۱)، ۵۱-۸۰.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸). تاریخ مردم ایران: ایران قبل از اسلام: کشمکش با قدرتها. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- سامی، علی (۱۳۹۳). تمدن ساسانی. ج ۲ و ۱. چاپ سوم. تهران: سمت.
- سینوس (۱۳۹۶). تاریخ سینوس. بر پایه ترجمه آر. دلیو. تامسون. ترجمه محمد فضائلی بیرجندی. تهران: ققنوس.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۶). مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کیکاوس جهاندار. تهران: فرزانه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۸). تاریخ الرسل و الملوك. ترجمه ابولقاسم پاینده. ج ۲، چاپ چهارم. تهران: اساطیر.
- فرای، ر. ن (۱۳۸۲). تاریخ باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- کالج، مالکوم (۱۳۸۸). اشکانیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: هیرمند.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۷). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. چاپ نهم. تهران: دنیای کتاب.
- گرانوسکی و دیگران (۱۳۸۵). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: مروارید.
- گیبون، ادوارد (۱۳۷۰). انحطاط و سقوط امپراتوری روم. جلد ۱، تلخیص دی. ام. لو. ترجمه فرنگیس شادمان (نمازی). چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۶). تاریخ ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. چاپ هجدهم. تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، و. گ (۱۳۸۴). تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت‌الله رضا. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۲). ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی. ترجمه مریم میر احمدی. تهران: اطلاعات.
- محمودآبادی، اصغر (۱۳۹۲). تاریخ ایران در عهد ساسانیان. تهران: پارسه.
- مدرسی، فاطمه (۱۳۸۵). مشترکات و مناسبات فرهنگی ایران و ارمنستان. فصلنامه فرهنگ، (۵۷).
- میلر، و. م (۱۳۸۲). تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران. ترجمه علی نخستین. تهران: اساطیر.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳). مسیحیت در ایران. به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. تهران: اساطیر.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۴). شاهنشاهی اشکانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. چاپ دوم. تهران: ققنوس.
- وینتر، انگلبرت، دیگناس، بئاته (۱۳۸۶). روم و ایران: دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی. ترجمه کیکاوس جهاندار. چاپ دوم. تهران: فروزان روز.
- یارشاطر و دیگران (۱۳۸۳). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان. ج ۳، بخش اول. ترجمه حسن انوشه. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- یعقوبی (۱۳۶۲). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Adontz, N. (1970). *Armenia in the period of Justinian, the political conditions based on the naxarar system*. Translated by Nina Garsoian. Lisbon: Galost Gulbenkian Foundation. p. 9.

Agathangelos (1976). *History of the Armenians*, translation and commentary by R.W. Thomson. State University of New York Press.

Blockley, R. C. (1987). The Division of Armenia between the Romans and the Persians at the End of the Fourth Century AD. *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, 222-234.

Brown, P. (1996). *The Rise of Western Christendom: Triumph and Diversity, A.D. 200-1000*. Blackwell Publishers.

Henzel, J. H. (2008). *A comparison and contrast of the history of Christianity as it developed in Cappadocia and Armenia during the first five centuries AD*. A thesis presented to the Graduate School of Clemson University. pp. 105-185.

Howard-Johnston, J. (2006). *East Rome, Sasanian Persia and the End of Antiquity: Historiographical and Historical Studies*. Ashgate.

Huntington, S. P. (1993). *The clash of civilizations*. Foreign Affairs.

Panossian, R. (2006). *The Armenians: From Kings and Priests to Merchants and Commissars*. London: Hurst Company. pp. 43-44.

Pourshariati, P. (2008). *Decline and Fall of the Sasanian Empire: The Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran*. London and New York: I.B. Tauris.

- Russell, J.R (1987). Zoroastrianism in Armenia, Harvard Iranian Series, Cambridge, Massachusetts. p. 126.
- Toumanoff, C. (1954). Christian Caucasia between Byzantium and Iran : new light from old sources. *Traditio*, 10, 109-189.
- Spykman, N. J. (1944). *The Geography of the Peace*. Harcourt, Brace and Company.
- Thomson, R. W. (1991). *The History of Łazar P'arpec'ĭ*. Scholars Press.
- Walker, C. J. (1990). *Armenia: The Survival of a Nation*. London : Routledge. p. 25.

دانشگاه آزاد اسلامی